

(طلوعت شمس تابان دل شفاداد
غروبت آسمان را رنگ خون کرد
جماران گریه کن روح خدا رفت
ز سردی گر عزیزان سایبان رفت
به آن ابر سفید ای نور ایمان
چه شد دست دعا و دیده ی تر
روان شد از پی ات سیل عزادار
به راهش گل پاشید ای شهیدان
بهشت فاطمه آباد گشته
بسیجی شد یتیم از هجر بابا
بسیجی نه یتیم ایران شد اکنون

دو عالم پر شد از تکبیر و فریاد
تمام دشت و کوه را لاله گون کرد (۲)
ز گلدان گل که رفت دیگر صفا رفت
امید مردم و مستضعفان رفت
کفن کردند تو را خورشید تابان
کجا کردی تو پرواز ای کبوتر
کجا رفتی ابالفصل ای علمدار
که آمد نزدتان پیر جماران
زمهمان بزرگش شاد گشته
چرا بابا تو رفتی از بر ما
به زیر خاک غم ایمان شد اکنون

بسیجی بود بسیجی رفت خمینی

حسینی بود حسینی بود حسینی

(بسیجی شد یتیم از هجر بابا
روان شد از پی ات سیل عزادار
به راهش گل پاشید ای شهیدان
بهشت فاطمه آباد گشته
بسیجی شد یتیم از هجر بابا
بسیجی نه یتیم ایران شد اکنون

چرا بابا تو رفتی از بر ما ۲
کجا رفتی ابالفصل علمدار
که آمد نزدتان پیر جماران
زمهمان بزرگش شاد گشته
چرا بابا تو رفتی از بر ما
به زیر خاک غم ایمان شد اکنون

بسیجی بود بسیجی رفت خمینی

حسینی بود حسینی بود حسینی